



مَنوَط بودن اجرای حدود

به اجرای دیگر مقررات اجتماعی اسلام

«اسلام مجموعه‌ای است از دستورها، برنامه‌ها و مقررات در ابعاد مختلف فرهنگی، تربیتی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حقوقی که به‌طور کامل به یکدیگر پیوند خورده‌اند. اسلام برای ساختن جامعه مطلوب و رساندن انسان به تکامل، راهکارهای گوناگون و تمهیدات فراوان اندیشیده است. اجرای قوانین جزائی اسلام به اجرای دستورها و برنامه‌های اسلام در سایر بخش‌ها منوط است. به دیگر سخن، نخست باید مقررات و برنامه‌های اسلام در امور فرهنگی، تربیتی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را در جامعه تحقق بخشید و آنگاه مجازات‌های مقرر در حقوق جزائی اسلام را در مورد بزهکاران اعمال کرد.

پاسخ این شبهه در سیره امیر مؤمنان(ص) است. مسیبر حکومتی که آن حضرت بنا نهاده بود، منحرف گردید و ۲۵ سال افراد دیگری خلافت کردند و انواع انحرافات و کژی‌ها در این مدت در جامعه به وجود آمد؛ بسیاری از مردم از آموزه‌های دینی فاصله گرفتند؛ بیت‌المال حیف و میل شده؛ عداوی به گنج قارون رسیدند و برخی به فقر و فلاکت دچار شدند؛ آنگاه که امیرمؤمنان(ع) به حکومت رسید، با اینک می‌دید و می‌دانست انواع کژی‌ها و کاستی‌ها در جامعه اسلامی پدیدار شده است؛ آیا حضرت قوانین حقوق جزائی اسلام را اعمال نکرد؟ آیا نخست آموزه‌های دین اسلام را در سایر بخش‌ها اجرا و انحرافات به وجود آمده را اصلاح کرد و آنگاه حقوق جزائی اسلام را به اجرا گذاشت؟ یا اینکه به موازات تحقق آموزه‌های دین اسلام در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، تربیتی، سیاسی و اجتماعی، مجزمان را برابر قوانین جزائی اسلام مجازات می‌کرد؟ آنچه از دوران پنجم سلطه حکومت امام علی(ع) در تاریخ به ثبت رسیده است، نکته دوم را تأیید می‌کند.^(۱)

در زمان رسول خلاص) نیز وضعیت به همین صورت بود؛ یعنی اگرچه احکام بتدریج نازل شد اما این نزول تدریجی بدان معنا نیست که هنگام نزول آیه سرت، مسائل اقتصادی جامعه آن عصر با زندگی مطلوب متناسب بوده است یا هنگام نزول آیه زنا؛ عتاف جامعه در وضع مطلوبی بوده است. به‌طور مسلم، جامعه و مردم آن عصر در حال تحول و حرکت به‌سوی وضع مطلوب بودند؛ اما در همان وضعیت جامعه و مردم نیز این احکام اجرا می‌شدند؛ علاوه‌بر اینکه مطلوبیت وضع جامعه و افراد امری نسبی است و لذا این سؤال پیش می‌آید که افراد به فرض پذیرش این سخن که اجرای احکام جزائی اسلام، به اجرای احکام اسلام در ابعاد دیگر اجتماعی منوط است؛ طرح این پرسش سزاوار است که در صورت عدم اجرای احکام اسلام در دیگر ایام یا زمینه‌ها، آیا افراد جامعه، به اجرای مقررات اسلام در امور مانند احترام به اموال دیگران یا رعایت امور عفافى مکلف هستند یا خیر؟ اگر پاسخ منفی باشد، طبق صریح آیات و روایات و دیدگاه‌های فقهی مبنی بر مکلف بودن و افراد به پایبند نبودن به احکام اسلام؛ از جمله احکام جزائی؛ این پاسخ مردود است و اگر پاسخ مثبت باشد، معنایی ندارد جز لازم الاجرا بودن حدود نسبت به افراد خاطی.

- ر.ک: نصاب مکرم شیرازی، فلسفه حدود و تعزیرات در اسلام، ص: ۱۵.
- علی محمدی جورکویه**



۱.ر.ک: نصاب مکرم شیرازی، فلسفه حدود و تعزیرات در اسلام، ص: ۱۵.

۲.علی محمدی جورکویه

۱.ر.ک: نصاب مکرم شیرازی، فلسفه حدود و تعزیرات در اسلام، ص: ۱۵.

شیاطین جنی و انسی داری ویژگی‌های هستند که فیهم شناختن آن می‌تواند انسان را نسبت به میمات نفس از ورود به جره که شیاطین یاری رسانده و از سقوط از مقام اطاعت و ولایت الهی حفظ کرده در مسیر جزبانه و بهره‌مندی از آثار آن قرار دهد؛از آن رو نویسنده در روشنائی حاضر ویژگی‌های شیاطین انسی و جنی که در قالب حزب شیطان تعریف می‌شوند و نیز آثار اطاعت از شیاطین را شرح کرده است.

چستی شیطان

شیطان به موجود سرکش و متمرد از انسان و جن و حیوان گفته می‌شود.از آنجا که ابلیس جنی نخستین و مشهورترین بلکه سرمدسته شیاطین جنی و انسی است، وقتی از حزب شیطان سخن به میان می‌آید، مقصود کسانی هستند که فلسفه و سبک زندگی آنان تحت سلطه و امامت و ولایت ابلیس شیطنی است. البته این شیطان‌پرستی در تمام ادیان و مذاهب نیز بر اساس آموزه‌های قرآن، شیطنت انسان و جن، تمرد و سرکشی از ولایت الهی و خروج از حزبانه به سوی حزب شیطان است. بنابراین، هر کسی که شیطنت ورزد، علیه خدا و ولایت الهی و حزب‌الله است. بنابراین فلسفه و روح همانند همه شیاطین جنی و انسی می‌شود.

صفت شیاطی

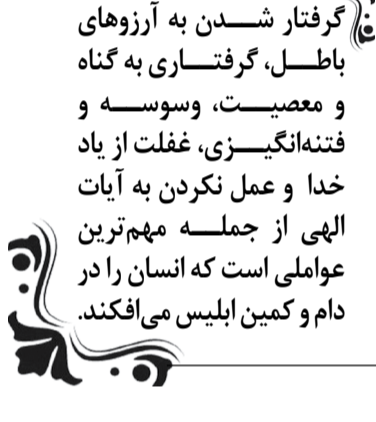
الف) تمرد نسبت به خدا

مهم‌ترین ویژگی شیاطین جنی و انسی، عصیان و تمرد نسبت به خدا و ولایت الهی و اطاعت از فرمان‌های اوست. از این رو خدا صفت عصیان را به شیطان نسبت می‌دهد(مریم، آیه ۲۴)
ان عصیان شیطنالی عامی است که شخص شیطان صفت به جای عبادت خدا و عبادت و اطاعت الهی هر چند که با ابلیس شیطنی آغاز شده، اما این عنوان اختصاصی به او ندارد، از همین رو خدا از عنوان «کل شیطان مرید(حجج، آیه ۳) «کل شیطان مرید»صافات، آیه ۱) استفاده می‌کند تا عدوانی عام را مورد تأکید قرار دهد که شامل شیاطین جنی و انسی است(ذاریات، آیه ۵۶)

براساس تعالیم قرآن، خدا در کمین دشمنان است به گونه‌ای که دشمن از جایی که گمان نمی‌برد، ضربه می‌خورد و نیست و نابود می‌شود. بنابراین، دشمن هرگز نباید احساس امنیت کند، بلکه بداند که خدا در کمین آنان نشسته است. کمین و غافلگیری به عنوان یک اصل اساسی در نبردها به کار گرفته می‌شود، ولی فرق میان کمین خدا با دیگران در آن است که کمین الهی خیلی سخت‌تر، شدیدتر و بنیان کن‌تر است. با این همه خدا در قرآن بارها به مؤمنان هشدار می‌دهد که مراقب کمین دشمن جنی و انسی باشید؛ زیرا همواره آنان در کمین هستند تا مؤمنان را شکار کنند. بدترین امر آن است که ابلیس شیطنی به عنوانی مختلف در کمین انسان است تا او را به شقاوت ابدی بکشد.د. بنابراین، بر مؤمنان است تا نسبت به کمین دشمنان و شیاطین جنی و انسی آمادگی داشته باشند و اجازه ندهند تا در شرایطی قرار گیرند که دشمن شیطنی بر آنان کمین زند و با غافلگیری ناگهانی آنان را زمینگیر کرده و نابود سازد.

کمین بسه معنای پنهان شدن در جایی برای حمله ناگهانی و غافلگیری است. بنابراین در کمین کسی یا چیزی نخستین به معنای منتظر ماندن برای فراهم شدن فرصت مناسب برای حمله ناگهانی و غافلگیرانه به او یا اقدام علیه او است.(فرهنگ بزرگ سخن، ج ۶، ص ۵۶۴۳)
در اصطلاح قرآنی، واگانی چون «صد» و «هرصاد» به همین معنای کمین و کمینگاه است؛ البته در آیات قرآن به اشکال دیگر همین مفهوم

قرآن و اصل کمین و غافلگیری نسبت به دشمنان



اصطلاحی به کارفته است که بیانگر اصل کمین و غافلگیری ناگهانی است.

از نگاه قرآن، خدا کسی است که در کمین طغیانگران است.(فجر، آیات ۱۱ و ۱۴)
بنابراین، فرصتی به دشمنان خویش می‌دهد تا هر گونه طغیانی را انجام دهند، اما خدا مراقب کردار طغیانگر است و در کمین آنان نشسته است؛ پس اگر فرصتی به دشمن طغیانگر می‌دهد، بر این اساس نیست که ناتوان است، بلکه برای آن است تا حجت را بر آنان تمام کند. پس هر گاه خدا بخواهد دشمنان را چنان می‌گیرد که هیچ راه‌گیزی برایش نباشد.

همه هستی در محضر خدا است و هیچ امری بیرون از دایره حضور و شیوهٔ الهی نیست؛ بنابراین، هرگز چیزی از اعمال انسان‌ها و مانند آنها بر خدا مخفی نیست. خدا همه اقوال و اعمال انسان‌ها را می‌بیند و می‌شوند

۸۴) البته خدا شرایط ابتلاء و امتحان را برای همگان حتی افراد دارای سنگدلی قرار داده (حج، آیه ۵۳)، اما آنان به جای عبرت‌گیری در دام می‌افتند و شرایط امهال و استسراج به آنان به اراده خودشان تحمیل می‌شود و این گونه در وسوسه‌های عمیقِ ترک گرفتار

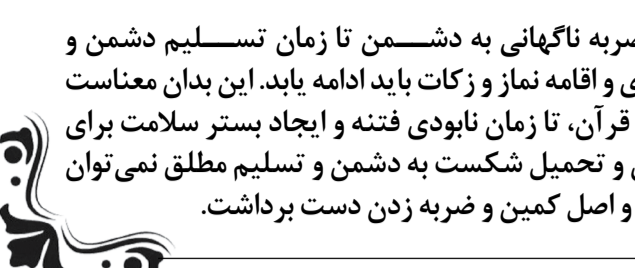
۹) اصولاً مهم‌ترین و اصلی‌ترین شیوه نفوذ شیاطین جنی و انسی بهره‌گیری از وسوسه است. همین بستر خروج از عبودیت و اطاعت و ولایت الهی و حتی سلطه شیطانی را فراهم می‌آورد. بنابراین، نباید آن را کم‌اهمیت دانست و متوجه این خطر عظیم نبود؛ بلکه باید با استعاضه به خدا خود را از شرایط سلطه با وسوسه مصون داشت.

عنوان مطرود بودن است؛ زیرا این افراد به سبب عصیان و تمرد از بندگی و اطاعت خدا، از درگاه الهی و رحمت و سعادتش محروم هستند. این طرد تنها یک طرد ساده نیست، بلکه همراه با غضب و خشم است. از همین رو از آن به «جیم» تعبیر می‌شود که به عنوان سنگسار شده است.(حجر، آیه ۱۷؛ تکویر، آیه ۲۵)
بنابراین، هر کسی ایمان را ببیند می‌تواند آثار غضب الهی را در زندگی‌شان مشاهده کند؛ پس نباید به این افراد مطرود الهی نزدیک شد؛ زیرا غضب الهی دائمگیر کسانی می‌شود که به آنان نزدیک می‌شوند؛ بلکه باید از این شیاطین به خدا پناه برد.(آل عمران، آیه ۲۶؛ نحل، آیه ۹۸)

از دیگر ویژگی‌های شیاطین جنی و انسی، وسوسه‌گری به شکل تزئین‌گری است. از همین رو خدا از انسان می‌خواهد تا خود را از وسوسه‌های شیطان بر حذر دارد که در سینه‌ها و قلبها،انجام می‌دهد.(نبا، آیات ۶ تا ۲۶)
از نگاه آموزه‌های وحیانی، شیاطین جنی و انسی با وسوسه‌گری خویش مردم را در مسیر سنت و الهی امهال و استسراج قرار می‌دهند. بر اساس این سنت، خدا افراد را به سرعت در دنیا عقاب و عقاب نمی‌کند، بلکه حتی شرایطی را فراهم می‌آورد که آنان بیش از پیش از مواهب و زینت‌های دنیوی از ثروت و قدرت بهره مند شوند و حتی به بیماری و مشکلات عادی گرفتار نمی‌شوند تا تحت فشاری قرار گیرند و در اندیشه توبه و شرایط عبرت قرار گیرند(مریم، آیات ۸۳

معارف

MaarefKayhan@Kayhan.ir



کمین و ضربه ناگهانی به دشمن تا زمان تسلیم دشمن و ایمان‌آوری و اقامه نماز و زکات باید ادامه یابد. این بدان معناست که از نظر قرآن، تا زمان نابودی فتنه و ایجاد بستر سلامت برای مسلمانان و تحمیل شکست به دشمن و تسلیم مطلق نمی‌توان از راهبرد و اصل کمین و ضربه زدن دست برداشت.



قرآن و اصل کمین و غافلگیری نسبت به دشمنان

طغیانگران از قوم ثمود و عاد و فرعون در کمین خدا قرار گرفتند و خدا ناگهان آنان را نابود کرد.(فجر، آیه ۶ تا ۱۴)

خدا ن تنها در دنیا در کمین طغیانگران است، بلکه دوزخ را نیز کمینگاه برای آنان قرار داده است؛ پس طغیانگران اگر در دنیا در کمین مسقیم الهی قرار می‌گیرند، در قیامت نیز در کمین دوزخ قسار گرفته و دوزخ به عنوان یک حتی‌جنین و ابلیس شیطنی از این‌اصل بیشترین بهره‌را می‌برند؛ به‌ویژه که جنینا و شیاطین جنی به‌سبب‌ دیده‌نشدن از سوی‌انسان، می‌توانند چنان فرشتگان الهی در دنیا به ننگهایی و مراقبت از امور از جمله وحی می‌پردازند تا از دستبرد ناهلان در امان بمانند(جن، آیات ۲۶ و ۲۷)؛ زیرا رصد جمع اصد به معنای حافظ است و مقصود از آن رصد فرشتگان برای حفاظت از وحی است (مجمع البیان، ج ۹ و ۱۰، ص ۵۶۲)

از نظر قرآن، همان گونه که خدا و فرشتگان بلکه جهنم در کمین دشمنان خدا و طغیانگران است، مؤمنان نیز باید همواره آماده‌باشند و برای دشمن کمین بگذازند تا جنگ افزوزان مشرک را در دام افکندند و آنان را نابود سازند.(توبه، آیه ۵)
بر همین اساس، خدا فرمسان می‌دهد تا مسلمانان در تمام کمینگاه‌ها برای ایجاد فشار و ضربه زدن به مشرکان به ویژه رهگذران مشرک آماده‌باشند.(همان)

بنابراین، از نظر قرآن، اصل کمین و ضربه زدن ناگهانی به دشمن به عنوان یک راهبرد و شیوه ایجاد فشار و ضربه به دشمن باید در دستور کار مسلمانان و مؤمنان قرار گیرد.

می‌کنند. مقاصد خویش را پیش برند. اصولاً فطرت انسانی به سوی بندگی و اطاعت و ولایت الهی گرایش دارد و شیاطین برای آنکه مقاصد خویش را پیش برند ناچار هستند تا با قرب و نیرنگ، باطل خویش را حلقه حلقه داده و مردم را به سوی باطل بکشانند.

۶) اصولاً مهم‌ترین و اصلی‌ترین شیوه نفوذ شیاطین جنی و انسی بهره‌گیری از وسوسه است. همین وسوسه‌گری است که بستر خروج از عبودیت و اطاعت و ولایت الهی و حتی سلطه شیطانی را فراهم می‌آورد. بنابراین، نباید آن را کم‌اهمیت دانست و متوجه این خطر عظیم نبود؛ بلکه باید با استعاضه به خدا خود را از شرایط سلطه با وسوسه مصون داشت.

عنوان مطرود بودن است؛ زیرا این افراد به سبب عصیان و تمرد از بندگی و اطاعت خدا، از درگاه الهی و رحمت و سعادتش محروم هستند. این طرد تنها یک طرد ساده نیست، بلکه همراه با غضب و خشم است. از همین رو از آن به «جیم» تعبیر می‌شود که به عنوان سنگسار شده است.(حجر، آیه ۱۷؛ تکویر، آیه ۲۵)
بنابراین، هر کسی ایمان را ببیند می‌تواند آثار غضب الهی را در زندگی‌شان مشاهده کند؛ پس نباید به این افراد مطرود الهی نزدیک شد؛ زیرا غضب الهی دائمگیر کسانی می‌شود که به آنان نزدیک می‌شوند؛ بلکه باید از این شیاطین به خدا پناه برد.(آل عمران، آیه ۲۶؛ نحل، آیه ۹۸)

از دیگر ویژگی‌های شیاطین جنی و انسی، وسوسه‌گری به شکل تزئین‌گری است. از همین رو خدا از انسان می‌خواهد تا خود را از وسوسه‌های شیطان بر حذر دارد که در سینه‌ها و قلبها،انجام می‌دهد.(نبا، آیات ۶ تا ۲۶)
از نگاه آموزه‌های وحیانی، شیاطین جنی و انسی با وسوسه‌گری خویش مردم را در مسیر سنت و الهی امهال و استسراج قرار می‌دهند. بر اساس این سنت، خدا افراد را به سرعت در دنیا عقاب و عقاب نمی‌کند، بلکه حتی شرایطی را فراهم می‌آورد که آنان بیش از پیش از مواهب و زینت‌های دنیوی از ثروت و قدرت بهره مند شوند و حتی به بیماری و مشکلات عادی گرفتار نمی‌شوند تا تحت فشاری قرار گیرند و در اندیشه توبه و شرایط عبرت قرار گیرند(مریم، آیات ۸۳

شیطان مترصد کمین و حمله کردن به انسان است تا مؤمنان و خداپرستان را از صراط مستقیم باز دارد.(همان)
بر این اساس شیطان به مهم‌ترین دستاویز متمسک می‌شود که کفران و ناپاسایی نسبت به نعمت‌های الهی است(همان)؛
و انسان مؤمن باید متوجه‌ باشد که هر گونه کفران و ناپاسایی نسبت به نعمت‌های الهی بستی‌ری برای نفوذ و حمله دشمن است(همان)
این خطر حتی نسبت به عالمان نیز مطرح است؛ زیرا بلغم باغورا از کسانیا است که در دام کمین شیطان و ابلیس افتاد و در نهایت به وسیله شیطان به سوی دوزخ کشیده شد.(اعراف، آیه ۱۷۵)
مجمع البیان، ج ۳ و ۴، ص ۷۶۸)
گرفتار و مغرور شدن به آرزوهای باطل (حدید، آیه ۱۴)؛ گرفتاری به گناه و معصیت (اعراف، آیه ۱۷۵)، وسوسه و فتنه انگیزی(اعراف، آیه ۲۷). غفلت از یاد خدا (اعراف، آیه ۲۰۱) و عمل نکردن به آیات الهی (اعراف، آیه ۱۷۵) از جمله مهم‌ترین عواملی است که انسان را در دام و کمین ابلیس می‌افکند.

البته تنها شیاطین جنی نیستند که در کمین انسان به ویژه مسلمانان هستند، بلکه دشمنان کافر نیز از همین راهبرد برای پیشبرد اهداف پلید خویش بهره می‌گیرند. بنابراین، احتمال کمین و فتنه‌گری دشمنان کافر، مستلزم آمادگی و هوشیاری مجاهدان اسلام است. (نساء، آیات ۱۰۱ و ۱۰۲)

با توجه به اصل کمین و غافلگیری از سوی دشمنان لازم است تا مؤمنان همواره در هوشیاری باشند تا جایی که نسبت به نماز که ستون اصلی اسلام است، شریایط کمین را در نظر بگیرند یا کوتاه کردن نماز در قالب نماز خوف، این هوشیاری را به نمایش بگذارند و اجازه شیخون یا بهره‌گیری از کمین و شکست را ندهند.(همان) همچنین از نظر قرآن، شکست مذبح‌حانه دشمنان کافر در گرو کوشش مجاهدان برای فراهم سازی تجهیزات و هوشیاری آنان در برابر کمین گشایی دشمنان کافر است(همان)؛ زیرا مسلمانان باید به گونه‌های هوشیارانه عمل کنند که دشمن از اندیشه حمله و کمین بیرون آید(همان)

بازگشت واقعی به خدا و پذیرش اسلام باشد وگرنه مسلمانان حق ندارند تا دست از راهبرد کمین و ضربه زدن بردارند.(همان)
ضرورت مراقبت از کمین دشمن
همان گونه که کمین و غافلگیری به عنوان یک راهبرد نظامی از سوی مؤمنان و مسلمانان می‌بایست به کار گرفته شود، اما باید دانست که دشمن نیز به این اصل پایبند است؛ از همین رو حتی جنینا و ابلیس شیطنی از این‌اصل بیشترین بهره‌را می‌برند؛ به‌ویژه که جنینا و شیاطین جنی به‌سبب‌ دیده‌نشدن از سوی‌انسان، می‌توانند چنان فرشتگان الهی در دنیا به ننگهایی و مراقبت از امور از جمله وحی می‌پردازند تا از دستبرد ناهلان در امان بمانند(جن، آیات ۲۶ و ۲۷)؛ زیرا رصد جمع اصد به معنای حافظ است و مقصود از آن رصد فرشتگان برای حفاظت از وحی است (مجمع البیان، ج ۹ و ۱۰، ص ۵۶۲)

همان گونه که کمین و غافلگیری به عنوان یک راهبرد نظامی از سوی مؤمنان و مسلمانان می‌بایست به کار گرفته شود، اما باید دانست که دشمن نیز به این اصل پایبند است؛ از همین رو حتی جنینا و ابلیس شیطنی از این اصل بیشترین بهره را می‌برند؛ به‌ویژه که جنینا و شیاطین جنی به سبب دیده نشدن از سوی انسان، می‌توانند چنان به انسان نزدیک شوند و ضربه بزنند که بیرون از محاسبات عادی بشری است.

قرار گیرد که هوشیاری‌اش موجب دفع و رفع کمین دشمن شود. پس همان گونه که خدا با فرشتگان و شهباب سنگها در کمین شیاطین جنی در آسمان است(جن، آیات ۱ و ۹؛ حجر، آیات ۱۶ و ۱۸)، مؤمنان هم باید در کمین شیاطین جنی و انسی باشند. بنابراین همه مسلمانان باید با همه ابزارها و امکانات، کمین دشمن را شناسایی و علیه آنان اقدام کنند.

به جای اطاعت خدا گرفتار اطاعت از شیاطین شود. اموری چون کفر و شرک،نساء، آیات ۳۸ و ۱۱۶ و ۱۱۷)
انعام، آیه ۱۲۱)، و ناطیلی و پیروی از هواهای نفسانی(اعراف، آیات ۱۷۵ و ۱۷۶)؛ فسق و فجور و بی‌تقوایی(نعام، آیه ۱۲۱)، گناه (قره، آیات ۱۶۸ و ۱۶۹) و مانند آنها انسان را از اطاعت خدا و اطاعت اطاعت شیاطین می‌کشند و با تحقق سلطه شیطنی، انسان به انواع گناهان و الذوکی‌ها گرفتار می‌شود و از مسیر کمال باز می‌ماند و به دره «الکلام‌لم هم‌اصل» سقوط می‌کند.(اعراف، آیه ۱۷۹)

این سقوط در دام شیاطین و قرار گیری در حزب شیطان گام به گام انجام می‌شود و تغییرات منفی در انسان و خروج از فطرت و گرایش از حق و اطاعت و بندگی خدا به سوی کفر و شرک و کف و سلطه و ولایت شیطنی به گونه‌ای انجام می‌شود که گاه خود شیطان، این تغییرات سقوطی خویش را احساس نمی‌کند(شراء، آیات ۲۲ و ۲۲۲؛ نساء، آیات ۱۱۷ و ۱۱۹)
انعام، آیه ۱۲۱؛ مریم، آیات ۴۴ و ۴۵)
حج، آیات ۳ و ۴)
بنابراین، کسی که تحت سلطه شیطنی در می‌آید و به اطاعت او او می‌پردازد، دیگر رنگ طهارت و تزکیه روح و روان و رستگاری را نخواهد دید.(مانند، آیه ۱۰، نورا، آیه ۲۱)
از نگاه قرآن، شیاطین جنی و انسی با بهره‌گیری از همه ابزارها در صدد هستند تا سلطه و ولایت خویش را بر انسان اعمال کنند و او را از عبودیت خدا به سوی عبودیت هواهای نفسانی و خدایگان دروغین سوق دهند و از ولایت الهی به سوی ولایت شیطنی خویش بکشانند. از جمله این ابزارهای شیطنی می‌توان به شبهه افکنی و ایجاد جدال و گرایش به باطل از طرف، آیات ۴ تا ۶؛ ۶۲، فحشاء و منکرات(قره، آیات ۱۶۸ و ۱۶۹ و ۲۴۸؛

نورا، آیه ۲۱)؛ قمار و شراب(مائده، آیه ۹۰)، سخنان و کلمات فریبا و گمراه‌کننده باطل و دروغ(انعام، آیات ۱۱۱ و ۱۱۲)، ایجاد آرزوهای باطل(حج، آیه ۵۲)، اعمال خرافی(نساء، آیات ۱۱۷ و ۱۱۹)، ایجاد خوف و هراس در دل مردم(آل عمران، آیات ۱۷۳ و ۱۷۵) و ایجاد اختلاف و تفرقه(قره، آیه ۲۰۸) و مانند آنها اشاره کرد. در حقیقت شیاطین برای آنکه به مقاصد شوم

نور، آیه ۲۱)؛ قمار و شراب(مائده، آیه ۹۰)، سخنان و کلمات فریبا و گمراه‌کننده باطل و دروغ(انعام، آیات ۱۱۱ و ۱۱۲)، ایجاد آرزوهای باطل(حج، آیه ۵۲)، اعمال خرافی(نساء، آیات ۱۱۷ و ۱۱۹)، ایجاد خوف و هراس در دل مردم(آل عمران، آیات ۱۷۳ و ۱۷۵) و ایجاد اختلاف و تفرقه(قره، آیه ۲۰۸) و مانند آنها اشاره کرد. در حقیقت شیاطین برای آنکه به مقاصد شوم

صفحه ۶

پنجشنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۳
۲۹ ربیع‌الاول ۱۴۴۶ – شماره ۳۳۶۸۵



لِزوم پرهیز از انسان دروغگو

قال الامام علی(ع): «باک و مصادقه الکذاب، فانه کالسراب یقرَّب علیک البعید و یبعَد علیک القریب.»

امام علی(ع) فرمود: از دوستی با دروغگو بپرهیز که او همانند سراب است، دور را به تو نزدیک و نزدیک را به تو دور نشان می‌دهد.^(۱)

۱- نهج‌البلغه، حکمت۳۸

حکایت خوبان

دروغ، منشأ هر فساد

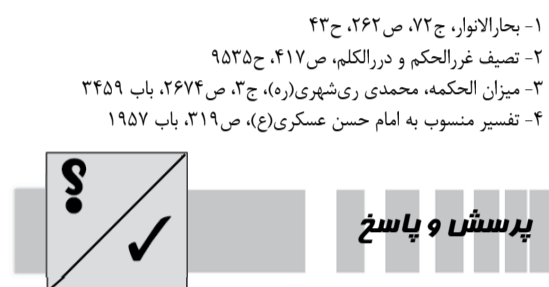
مردی نزد پیامبر اکرم(ص) آمد و گفت: رفتاری (خو و خصلتی) به من یاد بده که نیکی دنیا و آخرت را برایم فراهم آورد. حضرت فرمود: دروغ نگو!^(۲) امام علی(ع) فرمود: بهترین برادران (یاران) تو کسی است که با راستگویی‌اش تو را به راستگویی فرا بخواند و با خوش‌رفتاری‌اش تو را به خوش‌کرداری دعوت کند.^(۳) همچنین آن حضرت می‌فرماید: دروغ کلید تمام بدی‌هاست.^(۴) امام حسن عسکری(ع) فرمود: همه خیانت و بدی‌ها در خانه‌ای قرار داده شده و کلید ورود به آن را دروغ قرار داده‌اند.^(۵)

۱- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۲۶۲، ج ۴۳

۲- تصیف غرالحکم و دراکلکم، ج ۴۱۷، ح ۹۵۳۵

۳- میزان الحکمه، محمدی ریشهری(ره)، ج ۲، ص ۲۶۷۴، باب ۲۴۹۹

۴- تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع)، ص ۳۱۹، باب ۱۹۵۷



۱- بحارالانوار، ج ۷۲، ص ۲۶۲، ج ۴۳

۲- تصیف غرالحکم و دراکلکم، ج ۴۱۷، ح ۹۵۳۵

۳- میزان الحکمه، محمدی ریشهری(ره)، ج ۲، ص ۲۶۷۴، باب ۲۴۹۹

۴- تفسیر منسوب به امام حسن عسکری(ع)، ص ۳۱۹، باب ۱۹۵۷

پرسش و پاسخ

آفات زبان (۲)

پرسش:

از منظر آموزه‌های وحیانی چه آفات و آسیب‌هایی برای زبان وجود دارد که باید با آنها مقابله کرد؟

پاسخ:

در بخش نخست پاسخ به این سوال به مباحثی همچون: اهمیت و نقش زبان، لزوم کنترل و تربیت زبان و اهم آفات زبان شامل: ۱- غیبت پرداختیم، اینک در بخش پایانی دنباله مطلب را پی می‌گیریم؛

۲- نفاق یا چند زبانی

نفاق در سخن گفتن یا چند زبانی آن است که انسان با هر کس که روبرو می‌شود به گونه‌ای با او سخن بگوید که او را خوش آید. در حضور او طوری صحبت کند و در غیبت و پشت سر او به گونه‌ای دیگر؛ در واقع او به زبانش چیزی را می‌گوید که در قلبش نیست. در ظاهر اظهار دوستی می‌کند در حالی که دلش پر از کینه است. امام باقر(ع) می‌فرماید: چه بد بنده‌ای است آنکه دارای دورو و دو زبان است، در حضور برادرش او را ستایش کند و در پشت سر او را بخورد(غیبت و بدگویی نماید) اگر ثروتی پیدا کند که بر او حسد ورزد و اگر گرفتار شود او را باری نکند.(امالی، شیخ صدوق، ص ۴۱۷)
۳- افترا

افترا در لغت به معنای جعل و ساختن دروغ یا تهمت است که با نسبت دادن سخن یا فعل ناقح یا صفت نادرست به دیگری تحقق می‌یابد و در اصطلاح حقوقی عبارت است از نسبت دادن صحیح عمل مجرمانه بر خلاف حقیقت و واقع به شخص یا اشخاصی باشد.
قبرآن کریم در مذمت این صفت می‌فرماید: «وَ نَبِیْدَ چِیْزِی رَا که بر زبان وصف می‌کنید، دروغ باشد و نگویید این حلال و این حرام است که آنگه دروغ نسبت به خداوند باشد. آنان که بر خدای خود دروغ می‌بینند رستگار نخواهند شد».(نحل- ۱۱۶)

۴- مسخره کردن

هر عملی عکس‌العملی دارد، چه در این دنیا و چه در دنیای دیگر، کسی که دیگران را مسخره می‌کند، بداند که روزی در همین دنیا مورد تمسخر دیگران قرار خواهد گرفت. همچنین در آخرت مورد تمسخر و استهزاء قرار خواهد گرفت. قرآن کریم با صراحت و مؤمنان را از این صفت مذموم نهی می‌فرماید: «ای اهل ایمان نباید قومی قوم دیگر را مسخره کنید، شاید آنها بدخواه باشند و نیز زنان بالیمان، زنان دیگر را مسخره نکنند که چه بسا آن زنان بهتر از اینان باشند».(حجرات- ۱۲)

۵- دروغ‌گویی

بحث دروغ در اصول و مبانی ارزشی و دینی ما بسیار مذمت شده به گونه‌ای که خدای متعال در قرآن کریم برای دروغ‌گویان آرزوی مرگ و هلاکت می‌کند و می‌فرماید: «قتل الغرالمون» مرگ دروغ‌گویی(الناریات- ۱۰)
در آیه دیگری می‌فرماید: «ویل لکل افاک المؤمن» (اهل ایمان)، ابا(در هر دروغ‌گویی سهل‌انگاری (جائیه- ۷) همچنین در روایات دروغ کلید هر شر و بدی معرفی شده است. امام علی(ع) می‌فرماید: «الکذب مفتاح کل شر» دروغ کلید و سرمنشأ تمام بدی‌ها است.(میزان‌الحکمه، محمدی ری‌شهری، ج ۳، ص ۲۶۷۴، باب ۲۴۹۹)

همچنین امام علی(ع) در سخنان بسیاری به زشتی و پستی دروغ اشاره کرده تا مردم هیچ‌گاه سراغ آن نروند. آن حضرت دروغ‌گویی را مقدمه نفاق و دورویی(غرالحکم، ج ۱۱۸۱) نامید.کنند، هر دو جهان(همان، ج ۲) از بین برنده طعم ایمان(تحف‌القول، ج ۱۷۴۱۴) خواری در این جهان و شکنجه در آن جهان(غرالحکم، ج ۴۶۴۰) می‌داند و می‌فرماید: دروغ هرگز با جوانمردی جمع نمی‌شود.(همان، ج ۱۰۵۸۲)
خداوند بدین جهت دروغ گفتن را واجب کرد تا راستگویی گرامی داشته شود.(همان، ج ۶۶۰۸)
آن حضرت حتی در سختی دروغ‌گو را با مرده یکسان می‌داند و می‌فرماید: «دروغگو با مرده مساوی است، زیرا برتری زنده بر مرده اعتماد یافتن بر زنده است. پس هر گاه مرده به سخن زنده اعتماد کرد، زنده بودنش بیهوده است.(همان، ج ۲۱۰۴) و سرانجام طی و همدومدی بسیار عمیق و در عین حال ساده مردم را از ورود به دامن دروغ این چنین بازمی‌دارد: (همه) آنچه را که از مردم شنیدید(بدون تحقیق) بازگو مکن، چرا که همین کار برای دروغ‌گویی‌ات کافی است.»(نهج‌البلغه- نامه ۶۹)

۱-مجموعه آثر رشیدی مطهری (خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند)، ج ۳، ص ۴۰۵



۱-مجموعه آثر رشیدی مطهری (خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند)، ج ۳، ص ۴۰۵

۱-مجموعه آثر رشیدی مطهری (خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند)، ج ۳، ص ۴۰۵